

نمونه ای از:

ابوطالب تجلیل

مزایای اجتماعی اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- ایجاد ارتباط مستقیم برای هر فرد مسلمان با خدای متعال:

در شرائطی که در میان برخی از ملل و اهل ادیان گذشته، حق دعا و توبه به درگاه پروردگار متعال، بطور مستقیم از افراد عادی سلب شده و جز بواسطه کشیش، حق بازگشت به سوی خدا را ندارند و می بایست نزد کشیش ها گناهان خود را بر شمرده و بدانها اعتراف نمایند و الا از رحمت پروردگار عالم محروم خواهند ماند، قرآن امکان ارتباط مستقیم میان خدا و فرد انسانها را اعلام داشته، و می گوید: «و اذا سألك عبادى عنى فانى قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لى و ليؤمنوا بى لعلهم یرشدون» (۱)

یعنی: هرگاه بندگانه مرا از تو پرسیدند (بگو) همانا من به آنان نزدیکم، دعوت کسی را که مرا بخواند می پذیرم، از من اجابت بخواهند و به من بگردند تا شاید از گمراهی خلاصی یابند.

اسلام استقلال در عبادت را به انسانها عرضه داشته و به هر فردی حق داده است که شخصاً و بدون واسطه، به عبادت خدای خود بپردازد و با معبود خود راز و نیاز کند، مثلاً هر تبهکاری می تواند در هر حالی اسرار دل خود را با خدا در میان نهاده و از گناهان خود توبه کند و لازم نیست که دیگری را از لغزشها و تبهکاریهای خود مطلع سازد، بلکه از افشاء گناهی که مستور است و کسی از آن اطلاع ندارد، نهی نموده است.

(۱) سوره بقره، آیه ۱۸۶

۲- اعلان مساوات و عدالت و الغاء امتیازات موهوم

اسلام امتیازات طبقاتی را که در میان ملل حکم فرما بود به طور کلی لغو و در قوانینی که وضع نموده تمام افراد اعم از سیاه و سفید و کوچک و بزرگ و غنی و فقیر یکسان اند تا جایی که قائد و پیشوا و فرمانده مطلق کشورهای آن علی بن ابی طالب علیه السلام برای محاکمه با یک فرد یهودی در محکمه به نزد قاضی اسلام می رود و حتی حاضر نیست که قاضی کوچکترین احترامی از وی نموده و او را در مجلس قضاوت بر یهودی ترجیح داده و به محل برتری بنشانند.

آری اینک پس از چهارده قرن که دنیا در تمدن و فرهنگ پیشرفت‌هایی نموده، هنوز هم امتیاز طبقاتی دامنگیر ملل مختلف دنیا است و در جوامع مترقی جهان تبعیض نژادی و نفی مساوات میان سفیدپوست و سیاه پوست، رایج است.

همچنین اسلام است که در قوانین حقوقی، حقوق زنان را محترم شمرده و آنان را از حقوق مالی در ابواب معاملات و ارث و غیره بهره‌مند ساخته و حمایت از حقوق زن از ناحیه اسلام در جهان، نشأت یافته است.

اسلام میزان تمایز را اعمال صالحه و فضائل اخلاقی قرار داده است.

چنانچه قرآن می گوید: «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم» (۱)

یعنی: ما همه شما (افراد بشر) را از یک مرد و زن آفریدیم، آنگاه شما را گروه گروه قرار دادیم که از هم باز شناخته شوید (نه اینکه گروهی بر گروه دیگر حق امتیاز داشته باشد) حقا که گرامی‌ترین و عزیزترین شما پیش خدا کسانی هستند که پرهیزگارتر و به زیور تقوی آراسته‌تر باشند.

در احکام اسلام، مصالح فردی و خانوادگی و اجتماعی بشر دقیقاً در نظر گرفته شده و وضع و جعل احکام، تابع مصالح و مفساد قرار داده شده است.

اسلام در تمام شؤون زندگی انسانی یکایک مصالح و مفساد را، آنچه بشر به درک آن دست یافته و آنچه هنوز به کشف آن موفق نشده است ملحوظ داشته و طبق آنها به جعل احکام

پرداخته است.

اسلام حقوق طبقات مختلف جامعه را در نهایت دقت ملحوظ داشته است.

در اسلام مالکیت فردی و توارث و معاملات مالی در محدوده، قوانین شرع به رسمیت شناخته شده، ولی در مقابل، حقوق مالی و اخلاقی زیادی برای فقرا و مستمندان بر عهده ثروتمندان گذاشته شده است، اسلام سهمی از درآمد سالانه ثروتمندان را مخصوص مستمندان و امور خیریه قرار داده، به اندازه ای که اگر پرداخت شود در دنیای کنونی فقر و فلاکت به طور کلی رخت بر بسته و تمام طبقات به رفاه و آسایش، زندگی خواهند کرد.

از جمله قوانینی که اسلام به نفع مستمندان وضع نموده، تحریم و ممنوع ساختن بهره قرض است، بدین ترتیب ثروتمندان ناچارند برای بهره برداری از ثروت خود به کارهای تولیدی اقدام کنند، اسلام از سودجویی، از راه وام دادن با بهره که با تصاعد و اضافه شدن فرع بر اصل، خانمان بی نوایان را از بیخ و بن می کند، ممانعت به عمل آورده و ثروتمندان را تشویق به دادن وام بی بهره نموده و ثواب آن را تا ۱۸ برابر احسان و بخشش مجانی، بالا برده است، تا مستمندان روی پای خود ایستاده و بتوانند بدون کمک بلاعوض دیگران زندگی کنند.

برخلاف ادیانی که امروزه در دنیا می بینیم، خفقان عقیده در اسلام وجود ندارد، و بطور کلی استدلال و منطق پایه اساسی عقائد اسلامی می باشد.

اسلام مقرر می دارد: هر فرد مکلف است عقائد خود را بررسی و در اعتقادات خود به منطق و استدلال متکی باشد، تقلید در مسائل اعتقادی را اسلام جایز نمی داند و در احکام فقهی و مسائل علمی نیز بحث و استدلال و اجتهاد آزاد را مطرح کرده و ممنوعیتی که نسبت به آن در میان فرق اهل تسنن به عمل آمده معلول حکومتهای جائزانه برخی از اعصار گذشته می باشد.

در مذهب شیعه که نمایشگر روح اسلام است اجتهاد در مسائل فقهی با اتکاء به ادله چهارگانه «کتاب، سنت، اجماع، عقل» آزاد و تقلید از فقههای گذشته جائز نیست؛ و باید در هر عصری فقیه زنده شخصاً به اجتهاد پرداخته و حکم وقایع و حوادث مخصوصاً وقایع نوظهور را استنباط کند.

۳- منوط ساختن رستگاری اخروی به اعمال صالح:

پیش از اسلام مردم معتقد بودند که بهشت و جهنم استقلالاً در دست رؤسای دین بوده،

و با تطمیع و رشوه مالی و یا اطاعت کورکورانه از آنان می شود رستگاری اخروی و بهشت جاویدان را به دست آورد، و هیچگونه نیازی به اعمال صالح نیست.

قرآن خط بطلان بر این عقیده کشیده و بطور علنی در آیات زیادی اعلان کرده است که سعادت و نیک بختی و نیل به بهشت جاودان در طاعت پروردگار عالم است، و جز با عقائد صحیح و اعمال صالح، رستگاری امکان ندارد.

«من عمل صالحا من ذكرا وانثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طيبة» (۱)

قرآن شفاعت پیغمبران و اوصیاء و الامقام ایشان را نیز منوط به اذن پروردگار متعال دانسته و هرگونه استقلالی را از غیر خدا سلب فرموده است.

«من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه» (۲) یعنی: کیست که پیش خدا بدون اذن او

شفاعت کند؟

در باره حضرت نوح جایی که از خدا می خواهد فرزند او را از بلا نجات بخشد، قرآن چنین می گوید: «و نادى نوح ربه فقال رب ان ابني من اهلی وان وعدك الحق و انت احکم الحاکمین قال یا نوح انه لیس من اهلك انه عمل غیر صالح» (۳) یعنی: نوح پروردگار خویش را ندا کرد، پروردگارا فرزند من از اهل من است و وعده تو حق است و تو احکم الحاکمین هستی. از طرف خداوند متعال خطاب رسید: ای نوح او از اهل تو نیست او (مرتکب) عمل غیر صالح است.

ناگفته نماند که خدای بزرگ به بندگان شایسته خود (پیغمبران و اوصیاء گرام ایشان) در روز رستاخیز برای گرامیداشت موقعیت آنان و تکریم مقام ارجمندی که پیش وی دارند اذن می دهد که در باره جمعی شفاعت کنند، ولی شفاعت آنان به هوای نفس نبوده و جز به اذن خدای عالم تحقق نمی پذیرد و خواست آنان جز به خواست خدا تعلق نمی گیرد، خواسته آنان همان خواسته خداست چون آنان بندگان خالص و بی شائبه خدا هستند، و سرتاسر وجود آنان در گرو طاعت خداست.

«ولا یشفعون الا لمن ارتضى» (۴) این است معنی «مالك يوم الدين» (مالك روز

(۱) سوره نحل، آیه ۹۷

(۲) سوره بقره، آیه ۲۵۵

(۳) سوره هود آیه ۴۶ - ۴۵

(۴) سوره انبیاء، آیه ۲۸

پاداش) که اسلام امر می کند هر مسلمان در هر روز و هر شب، هر صبحگاه و شامگاه، چند بار در نماز، خدا را به آن نام برد.

اسلام بیم و امید را به خدا مخصوص داشته و آنچه از آن باید هراس داشت، و آنچه باید بدان دل بست و آرزوی آن را در دل پرورانید همه را در دست قدرت خدای واحد توانا دانسته است. بیم و امید در دل مسلمان باید تنها نسبت به خدای یکتا باشد و جز از وی نهراسد و جز به او امید نبندد.

۴ - دعوت به علم و تعقل و اندیشه:

در محیط خارج از اسلام، دین و عقل با هم متناقض شناخته شده است، این است که اندیشمندان و دانشمندان در جامعه اروپا در قرون وسطی (که دوران قدرت کشیشان و پاپهای کاتولیک بود) به فرمان آنان به بی دینی متهم و مطرود و محکوم بودند.

ولی در محیط اسلام اندیشه و علم و تعقل، پایه اساسی اسلام معرفی و در سرتاسر قرآن به تعقل و فهم و علم دعوت شده است.

اسلام عقل را مناط تکلیف و محک تمیز بین حق و باطل و میزان تشخیص در شبهات قرار داده است. امثال این آیات که در ذیل می خوانید در قرآن فراوان است.

از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می شود «افلا یعقلون» چرا تعقل نمی کنند؟ این تعبیر در آیات فراوانی به چشم می خورد.

«قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» (۱) یعنی: بگو (ای پیغمبر) آنان که می دانند با آنانکه نمی دانند مگر یکسانند؟! و در حدیث است «مذاذ العلماء افضل من دماء الشهداء» یعنی: مرکب قلم دانشمندان برخون شهداء که جانبازی کرده اند در فضیلت برتری دارد.

قرآن سخن اهل جهنم را چنین بازگویی کند: «وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا فی اصحاب السعیر» (۲) یعنی: اگر ما می شنیدیم و تعقل می کردیم اهل آتش نبودیم.

پیغمبر گرامی اسلام فرمود: «الدین هو العقل، ولا دین لمن لا عقل له» دین، تعقل

(۱) سوره نور، آیه ۹

(۲) سوره ملک، آیه ۱۰

است و کسی که عقل ندارد، دین ندارد.

و نیز فرمود: «يا ايها الناس اعقلوا من ربكم وتواصوا بالعقل تعرفوا ما امرتم به وما نهيتم عنه واعلموا انه ينجيكم عند ربكم».

یعنی: از پروردگار خود اندیشه کنید و یکدیگر را به عقل و ادراک توصیه کنید تا محبوب و مبعوض خدا را از هم باز شناسید و بدانید که عقل، شما را نزد خدا یاری می کند. و فرمود: «لا تعجبكم اسلام رجل حتى تنظروا ماذا عقده عقله» یعنی: مسلمانی شخص، شما را به تحسین و ادار نکند تا بنگرید به آنچه به عقل خویش آن را معتقد شده است. در سوره بقره آیه ۱۱۱ می فرماید: «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین» یعنی: اگر راست می گوئید برهان خود را بازگو کنید.

در حضور آن حضرت، گروهی مردی را ستودند و در ستایش او مبالغه کردند «فقال لهم: كيف عقل الرجل؟ فرمود عقل وی چگونه است قالوا انما نخبرك عن اجتهاده في العبادة واصناف الخير وتساءلنا عن عقله؟ گفتند یا رسول الله ما به تو از کوشش او در عبادت و در انواع کارهای خیر خیر می دهیم و تواز عقل او سؤال می فرمائی؟

فرمود: اعلم، الاحمق يصيب بجهله اكثر من فجور الفاجر وانما يرتفع العباد غداً في درجات الزلفى من ربهم على قدر عقولهم» یعنی: آدم احمق به سبب نادانی، بیشتر از فاجر فاسق به اعمال ناشایست دست می زند، تحقیقاً ترقی بندگان در درجات تقرب به پروردگارشان به اندازه عقلهای آنان است. اسلام در بالا بردن ارزش عقل در این پایه توقف ننموده بلکه به عقل، سلطنت مطلقه در تشخیص صحت عقائد اعطاء کرده است، و از هر معتقدی دلیلی از عقل بر حقیقت اعتقاد خود مطالبه می کند.

در اسلام تقلید در عقائد جائز نیست و هرکس باید با عقل و ادراک خویش تحصیل عقائد نماید قرآن می گوید: «ومن يدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه» (۱) یعنی: هرکس با خدا، خدای دیگری بخواند که برآن برهان ندارد به حساب او پیش خدا رسیدگی خواهد شد.

و در آیه ۱۴۶ سوره بونس می گوید: وما يتبع اكثرهم الاظن ان الظن لا يغني من

الحق شيئاً ان الله عليم بما يفعلون» یعنی بیشتر آنان به دنبال ظن و گمان می روند گمان و ظن به هیچ وجه (انسان را) از حق بی نیاز نمی سازد.

قرآن از خطر اعتقاد بدون ادراک و فهم، و از مسئولیت عظیم آن برحذر داشته و می گوید: «ولا تقف ما ليس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسؤولاً». (۱) یعنی به دنبال آنچه به آن علم نداری نرو، همانا گوش و چشم و دل، همه آنها مورد بازجویی قرار خواهند گرفت.

۵. تعدیل غرائز و امیال جسمانی:

انسان برحسب فطرت و سرشت خود سعی می کند که به تمام لذائذ جسمانی و خواسته های فطری خویش نائل شود. (۲)

اسلام قوانین خود را برطبق فطرت بشر تنظیم و به جای دعوت به مبارزه با غرائز جسمانی به تعدیل آن پرداخت و طبیعت بشر را به راه مستقیم، دور از افراط و تفریط هدایت نمود.

قرآن طرفداران ترک دنیا و لذائذ آن را محکوم، و آن را برخلاف خواسته آفریدگار جهان و هدف وی اعلام نموده، در سوره اعراف آیه ۳۲ چنین می گوید: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق» یعنی: بگو چه کسی زینتهای خدا را که برای مردم پدید آورده تحریم و نعمتهای پاک را که رزق و مورد احتیاج آنهاست ممنوع ساخته است؟! و در سوره بقره آیه ۲۹ می گوید: «هو الذي خلق لكم ما في الارض جميعاً» یعنی: او کسی است که هر آنچه در زمین است برای شما آفریده است.

باز در سوره قصص آیه ۷۷ می گوید: «ولا تنس نصيبك من الدنيا واحسن كما احسن الله اليك» یعنی: بهره خود را از دنیا فراموش مکن، و همانگونه که خدا به تو احسان کرده است تو نیز احسان کن.

(۱) سوره اسراء، آیه ۳۶

(۲) برخلاف مسیحیت تحریف شده، که دین را مخالف سرسخت و دشمن آشتی ناپذیر فطرت انسانی معرفی کرده است و رؤسا و کشیشان، مردم را به ترک دنیا و کشتن غرائز جسمانی و مبارزه با خواسته های طبیعی انسان دعوت نموده و در نتیجه چهره دین را در انظار مشوه و مطرود جلوه دادند.

باز در سوره بقره آیه ۲۰۱ به مردم یاد می دهد که هنگام دعا بگویند: «ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار» یعنی: پروردگارا به ما در دنیا حسنه و در آخرت نیز حسنه و نعمت عطا فرما و ما را از عذاب آتش نگهداری کن.

ما در اینجا خوانندگان محترم را به مطالعه قوانین و احکام اسلام در چهارچوب روابط خانوادگی، و در تشکیلات گوناگون و خط سیرهای پیچ در پیچ اجتماع، برای درک این حقیقت ثابت، که خمیره آن با عدالت و میانه روی سرشته شده دعوت می کنیم تا به خوبی واضح شود که تنها قدرتی که می تواند جامعه را از فساد و تبهکاری و انحطاط اخلاقی، رهائی بخشد تعدیل شهوات است که دین اسلام آن را پی ریزی کرده است... (۱)

۶ - اسلام دین زندگی است:

اسلام دین زندگی است و به جای طرد تمدن و تشویق به گوشه گیری و انزوا طلبی به هدایت و رهبری آن پرداخته و خود پیشوا و قائد تمدن و عامل بزرگ گسترش و پیشرفت آن گردید، و در آغوش خویش هزاران دانشمند در رشته های مختلف علوم طبیعی، پرورده و در پیشبرد قافله های تمدن بشری مهم ترین نقش را داشته است، بطوری که پیشرفت تمدن دنیا در اغلب رشته ها رهین زحمات دانشمندان گذشته اسلام است. ولی متأسفانه مسلمین در اثر بی مبالاتی در انجام دستورات اسلام، مقام رهبری فکری و فرهنگی دنیا را از دست داده و مقام هدایت تمدن جهان از کف آنان بیرون رفت.

(۱) در برخی از آیات شریفه قرآن و تعداد کثیری از روایات، به این مهم توجه شده است که از باب مثال، نمونه ای از آن آیات را ذکر می نمایم:

الف: در سوره شریفه اعراف آیه ۳۰ خداوند فرموده است: «کلوا و اشرابوا و لا تسرفوا» یعنی: از نعمتهای خدا بخورید و بیاشامید و (لکن) اسراف ننمائید.

ب: در سوره مبارکه تغابن آیه ۱۳ می فرماید: «انما اموالکم و اولادکم فتنه و الله عنده اجر عظیم» یعنی: همانا اموال و فرزندانتان اسباب فتنه و آزمایش شماست (چندان دل به آنها نبندید) و (بدانید که) نزد خداست اجر بزرگ.

ج: و نیز در سوره مبارکه کهف آیه ۴۵ می خوانیم که: «المال و البنون زينة الحیوة الدنيا و الباقیات الصالحات خیر عند ربك ثوابا و خیر املا» یعنی: مال و فرزندان، زینت زندگی اند (ولی) اعمال صالح پابرجا، نزد خداوند بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.

رؤسای ادیان و کشیشان، اندیشه و تفکر در طبیعت را جز در مواردی که با اعمال مذهبی آنان تماس داشت ممنوع ساخته بودند، دین اسلام بشر را به دقت و مطالعه در طبیعت برای کشف اسرار و به دست آوردن رموزی که در نهاد آن گذاشته شده دعوت نموده است. در سوره یونس آیه ۱۰۱ می‌فرماید: «**قل انظروا ماذا فی السموات والارض**» یعنی: بنگرید تا (ببینید) چه در آسمانها و زمین است.

و در سوره آل عمران آیه ۱۹۰ می‌فرماید: «**ان فی خلق السماوات والارض واختلاف الليل والنهار لآیات لأولی الالباب**» یعنی: به تحقیق در آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز، آیات و علامتهائی برای صاحبان عقل و اندیشه می‌باشد روی این اصل مسلمین در علوم طبیعی پیشرفتهای شگرفی نمودند و هزاران دانشمند در علوم طبیعی از میان آنان برخاست که در پیشرفت تمدن بشر اثرات فراوانی داشتند تا جائی که ارو پائیها، قرن‌ها به ترجمه کتابهای آنان پرداخته و پایه علوم خود را روی تحقیقات گرانبهای آنان قرار دادند.

۷- حفظ حقوق بشریت:

در گذشته اهل ادیان مختلف هر یک تعدی بر هم دینان خود را حرام و تعدی بر مال و جان اهل سائر ادیان را جائز می‌دانستند، و از اینجا کینه و عداوت در میان مردم کشورهای تبعه ادیان مختلف چنان شعله ور شد که از آن جنگهای خونین و وحشتناکی پدید آمد.

ولی اسلام ستم و تعدی به اهل ادیان دیگر و افراد خارج از اسلام را ممنوع ساخته و رعایت عدل را نسبت به جمیع افراد بشر از هر دین و نژاد که باشند توصیه می‌کند. در سوره ممتحنه آیه ۸ می‌گوید: «**لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم وتسقطوا الیهم ان الله یحب المسقطین**» یعنی: خدای عالم شما را از عدل و نیکی کردن نسبت به جمعیتی که با شما در دین نمی‌جنگند و شما را از کشور و دیارتان بیرون نمی‌کنند باز نمی‌دارد، خدا کسانی را که به عدل و داد رفتار کنند دوست می‌دارد.

و نیز اسلام دستور داده مسلمانان، پیروان ادیان سابق الهی را که توسط پیغمبران سلف از جانب خداوند عالم به مردم تبلیغ شده است محترم شمرده و مورد حمایت خود قرار دهند، و هیچگاه آنان را به زور به قبول اسلام مجبور ننمایند، چرا که اسلام باید بطور طبیعی و به قدرت حقانیت خود، پیشرفت نماید.

تاریخ فتوحات اسلامی به خوبی نشان می‌دهد که همواره ملل مغلوب، در دین خود

آزادی داشته، و هیچگاه به ترک آن و قبول اسلام مجبور نمی شده‌اند.

۸ - اعتراف به ناموس ترقی:

اسلام با رکود فکری سرسختانه مخالف بوده و زیر بال بشر را گرفته و او را در صعود به مدارج ترقی رهبری می کند.

این اسلام است که دستور کسب دانش (حتی تا لب گور) را می دهد و برای آن وقت و زمانی نمی پذیرد و انجام و پایانی نمی شناسد و می گوید: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» یعنی: زگهواره تا گور دانش بجوی.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «من استوی یوماه فهو مغبون» یعنی: هر فردی که دو روز او متفاوت نباشد مغبون است.

بشر باید دائماً ترقی کند و ترقی او حدّ یقف و پایان و نهایتی ندارد.

قرآن پیغمبر اسلام را نیز که کاملترین افراد بشر است به کمال و ترقی امر و به صراحت دستور می دهد: «قل رب زدنی علماً (۱)» یعنی: بگو ای پیامبر پروردگارا علم مرا زیادتر گردان.

اسلام مثل مسیحیت نیست که فقط یک جهت را ملاحظه کرده باشد، اسلام تمام جهاتی را که انسان به آن احتیاج دارد، برایش احکامی دارد، احکامی که در اسلام آمده است، چه احکام سیاسی، چه احکامی که مربوط به حکومت است، چه احکامی که مربوط به اجتماع است، چه احکامی که مربوط به افراد است، احکامی که مربوط به فرهنگ اسلامی است تمام اینها موافق با احتیاجات انسان است.

(قسمتی از بیانات امام امت در تاریخ ۵۷/۸/۶)